

طرحنامه کرسی ترویجی

عنوان کرسی:

عنوان فارسی: فقه حکومتی و بازدارندگی هسته‌ای؛ بررسی مبانی مشروعیت یا عدم مشروعیت
عنوان انگلیسی: Governmental Fiqh of Nuclear Weapons: A Methodological Study
عنوان عربی: الفقه الحكومي للسلاح النووي؛ دراسة منهجية

۱. خلاصه طرحنامه: (حداقل ۱۰۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ کلمه):

آ. شرح موضوع کرسی ترویجی بطور دقیق و علمی

موضوع «فقه حکومتی جنگ‌افزار هسته‌ای با نگاه روش‌شناختی» به کاستی فقه الهی در روش تفقه مکتب نجف و قم در کشف حکم مسأله می‌پردازد و بایستگی تبیین آن در دستگاه فقهی امام خمینی و امام خامنه‌ای را نشان می‌دهد که به گونه پیشرفته در دستگاه ابرفقه پردازش شده است و به روشنی در «حکم ولایی» رهبر و مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران درباره جنگ‌افزار هسته‌ای نمایان شده است.

ریز موضوعات «جنگ‌افزار هسته‌ای» پنج حوزه «ساخت، داشت، انباشت، بازدارندگی (تهدید) و کاربرد» را دارد. فقه حکومتی در این پژوهش، حکم حکومتی، فقه ولایی و قسیم فقه الهی (فتوایی) است؛ نه بخش سیاسی فقه الهی (فتوایی).

در نگاه کلان دو دسته فقه داریم؛ فقه الهی که قضایای حقیقه و فتوایی است (اطیعوا الله) و فقه ولایی که قضایای خارجیه و حکم حکومتی است (خمینی، کتاب البیع، ۲: ۶۳۹ و ۶۴۰). این پژوهش نشان می‌دهد که فقه الهی (فتوایی) با روش‌شناسی اجتهادی مکتب نجف و روش‌شناسی تفقهی مکتب قم برای پاسخ به حکم جنگ‌افزار هسته‌ای توانا نیست و باید به مکتب فقهی امام خمینی رو آورد.

مکتب فقهی امام خمینی همان مکتب فقه جواهری است ولی «به شرط تعیین‌کنندگی نقش زمان و مکان». این سخن یکی از پیچیده‌ترین مسائل «فلسفه فقه» و زاینده این پرسش است که چگونه می‌شود یک گزاره فقه الهی (فتوایی)، هم قضیه حقیقه؛ یعنی بریده از زمان و مکان باشد (بشرط لا) و هم همراه با نقش تعیین‌کننده زمان و مکان (بشرط شیء) باشد؟ این تناقض‌نمایی، به خوبی در ابرفقه (دیباچه «زیر تفقه نظام پیشرفته دین»، امامی، ابوالفضل) بازنمایی شده است و در این پژوهش یکی از اصول موضوعه است. اشکال اصلی روش‌شناختی به تبیین‌های علمی درباره «فقه جنگ‌افزار هسته‌ای» این است که برپایه مکتب نجف و قم در فقه الهی به این مسأله نگریسته شده است. نگاه برآمده از هنجارهای علمی نمی‌تواند جمهوری اسلامی ایران را برپایه تبیین فقه الهی کنونی، از شبهه پیگیری جنگ‌افزار هسته‌ای برهاند؛ زیرا حکم الهی (فتوایی) بر دو گونه است: یا بر پایه شرایط طبعی و «حکم اولی» است و یا برپایه شرایط اضطراری و «حکم ثانوی» و این دو حکم نیز ضرورتاً وارونه یکدیگرند؛ یعنی اگر حکم طبعی و اولی، جواز پرداختن به جنگ‌افزار هسته‌ای است، حکم ثانوی آن باید منع پرداختن به جنگ‌افزار هسته‌ای باشد و اگر حکم اولی، منع پرداختن به جنگ‌افزار هسته‌ای است، حکم ثانوی باید بر جواز آن باشد. از این رو اگر ما دلایل اثبات حکم اولی پرهیز از جنگ‌افزار هسته‌ای بیاوریم، معنایش اثبات جواز آن در وضعیت ثانوی است و اگر دلایلی بر پرهیز ثانوی بر جنگ‌افزار هسته‌ای بیاوریم، معنایش اثبات جواز اولی پرداختن به جنگ‌افزار هسته‌ای است.

پس در اینجا هیچ راهی جز گذر روش‌شناختی از دستگاه فقه الهی مکتب نجف و قم و رفتن به دستگاه «تفقه الهی مکتب امام خمینی و امام خامنه‌ای با نقش تعیین‌کنندگی زمان و مکان» نداریم که پردازش پیشرفته آن در «ابرفقه نمودار» می‌شود و میوه آن در حکم حکومتی «پرهیز از جنگ‌افزار هسته‌ای» نمودار است.

حکم حکومتی نه حکم اولی (به معنای قسیم حکم ثانوی) است و نه حکم ثانوی، حکم حکومتی، حکمی با مناط تعیین‌کننده مصلحت است. در اینجا به گمان می‌رسد که «از چاله درآمده، به چاه افتادیم»؛ چون سیلان حکم حکومتی برآمده از مصلحت، به معنای آن است که هرچند که امروز، پرهیز از جنگ‌افزار هسته‌ای مصلحتی بایسته داشته باشد ولی شاید روزی دیگر، پرداختن به جنگ‌افزار هسته‌ای، مصلحت بایسته داشته باشد.

پاسخ این پرسش از دو راه بازگو می‌شود؛ یکی با استناد به حکم حکومتی برآمده از مکتب فقهی امامین انقلاب و دیگری با تبیین ابرفقه درباره بایستگی پرهیز از جنگ‌افزار هسته‌ای.

حکم حکومتی بر دو دسته است، حکم حکومتی مستند به مصلحت متغیر و حکم حکومتی مستند به سنت جاوید دگرناپذیر. جمهوری اسلامی ایران، چنانکه در سخنان گوناگون رهبر آمده است، بر پایه سنت خدا (امام خامنه‌ای در ۱۵ آبان ۱۳۷۰ و ۱ فروردین ۱۳۹۱)، از جنگ‌افزار هسته‌ای بی‌نیاز است و بلکه پرداختن به جنگ‌افزار هسته‌ای به گونه «کاربرد، بهره‌بازدارندگی، ساخت، انباشت و داشت» برای ایران زیانبار است و این مسأله در دستگاه ابرفقه به خوبی روشن می‌شود.

ابر فقه چیست؟ یک دستگاه پیشرفته فقهی است که چارچوب کمینه آن، فقه جواهری و مکتب قمی است و در پیوند با نقش تعیین‌کننده زمان و مکان به مکتب امام خمینی (فقه پیوندی پیش‌نظام) رسیده، با بهره از سخن نظام‌ساز امیرالمؤمنین (ع) به شناخت نظام پیشرفته و فقه پیوندی پیشرفته و حکم همکنشی پیشرفته آن رسیده است.

برای روشن شدن فرق «مکتب فقهی امام خمینی» که یک فقه پیوندی با احکام همکنشی و نظامدار است، باید به یک سخن پیشرفته امام خمینی نگریست:

در مورد درس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است؛ ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست؛ [چون] زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم [پیش‌نظام] دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام [در وضعیت نظام]، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. امام خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، ۲۱: ۲۸۹.

در اینجا می‌بینیم که راز دگرگونی یک مسأله، تغییر موضوع آن نیست؛ مثلاً شطرنج پیشتر قمار بوده باشد و پس از آن بازی فکری بشود؛ بلکه راز دگرگونی آن، پیوند آن مساله با مسائل دیگر (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) یک نظام است. (بنگرید به دیپاچه زیرتفقه نظام پیشرفته دین، امامی، ابوالفضل). پس سخن بر سر «نظام» است و این چیزی است که مکتب فقهی امام خمینی را از مکتب فقهی قمی فراتر می‌برد.

به این رده از مکتب فقهی امام خمینی، رده «پیش‌نظام» می‌گوییم که در برابر فقه رده «پیش‌نظام» است. در اینجا امام خمینی از سه عنصر مؤثر در موضوع‌سازی پیوندی یعنی «سیاست، اجتماع و اقتصاد» نام می‌برد. پرسش این است که آیا این دسته‌بندی اجمالی امام خمینی برای وضعیت فقه پیش‌نظام، برای شناخت دقیق موضوعات در وضعیت نظام پیشرفته هم بسا است؟ امام خامنه‌ای در ۴ اسفند ۱۳۹۹ به این مسأله پاسخ می‌دهند:

«حکومت اسلامی را به عنوان سخت‌افزار در نظر بگیرید، اگر نرم‌افزار مناسب خودش را نداشته باشد، به هیچ کار نمی‌خورد. این، آن چیزی است که از فضایی صاحب‌نظر و متفکر به جد باید مطالبه بشود و این کار باید انجام بگیرد.»

پس روشن می‌شود که عناصر پیوندی شناخته شده در رده پیش‌نظام فقه مکتب امام خمینی و امام خامنه‌ای، اینک دیگر پاسخگوی موضوع‌شناسی و طبعا حکم‌شناسی پیشرفته نیست.

نظام پیشرفته چند لایه دارد؟ چند زیر لایه دارد؟ پیوند میان این لایه‌ها چیست؟ ارزش هر لایه چسان است؟ فرایند پرداختن به هر لایه چگونه است؟ کارکرد هر لایه چیست؟ نظام پیشرفته سه‌گوش است یا چهارگوش یا پنج‌گوش؟ اگر سه‌گوش است، کدام یک از چهار سه‌گوش است؟ اگر چهارگوش است، کدام یک از هفت چهارگوش است؟ و ... آیا نظام پیشرفته بر سطح صاف اقلیدسی است یا

بر سطح خمینه؟ آیا نظام پیشرفته حجم است یا جرم؟ کدام حجم؟ کدام جرم؟ می بینید که ما با دهها و بلکه صدها پرسش دشوار روبرو هستیم که پاسخ هیچ کدام را نمی دانیم؛ با اینکه امام خمینی می گوید باید «با شناخت دقیق روابط» موضوع با دیگر مسائل، موضوع شناسی پیوندی کرد.

ابرفقه بر پایه فرمایش امیرالمؤمنین (عقلها امامان فکرها هستند، فکرها امامان قلبها، قلبها امامان حسها و حسها امامان عضوها، کراچی، کنزالفوائد، ۱: ۲۰۰) به گونه بسیار دقیق و روشن همه لایه های نظام و پیوند میان آنها و حتی دانش فرایندشناسی برای رسیدن از وضع موجود به مطلوب را به گونه فقهی نشان می دهد. ابرفقه رده های قدرت را نشان می دهد تا به معنای فقهی و دقیق، بتوانیم قدرت و جنگ ترکیبی را بازشناسی کنیم و رویارویی متقارن یا نامتقارن را بشناسیم و سپس در فهم آیات قرآن به ویژه آیه اعداد قوه و جنگ افزار (انفال، ۶۰) بتوانیم استنتاج فقهی و پیشرفته را انجام دهیم. بازخوانی ابرفقهی فقه ولایی و سخنان ولی امر درباره جنگ افزار هسته ای به روشنی نشان می دهد که چگونه پرداختن به جنگ افزار هسته ای نه تنها بایسته نیست، بلکه زیانبار و نبایسته است. در اینجا ابرفقه، راز نبایستگی پرداختن به جنگ افزار هسته ای را به نیکی نشان می دهد و چگونگی افزایش قدرت و بازدارندگی در هنگام نداشتن جنگ افزار هسته ای را نشان می دهد.

ب. تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟

مقالات و مطالبی که در بررسی ما آمده است، نشان می دهد که این زاویه پژوهش، نوین و ناپرداخته است و پرداختهای دیگر با روش شناسی فقه الهی و در مکتب فقهی قمی است.

ج. موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری طرحنامه بطور واضح و روشن تعیین شود.

نوآوری بسیاری در این پژوهش است که برخی را نام می بریم: روش شناسی فقه ولایی و ابرفقهی بررسی «جنگ افزار هسته ای»، کشف تناقض نمایی در سخنان امام خمینی درباره فقه الهی و نقش تعیین کنندگی زمان و مکان، کشف تفاوت مکتب فقهی قمی با مکتب فقهی امام خمینی و امام خامنه ای، کشف معنای فقهی جنگ ترکیبی و فقه همکنشی، کشف ابرفقهی نظام پیوندی میان لایه های نظام پیشرفته، کاربست پیشرفته دسته بندی فقه الهی و ولایی که در مکتب امام خمینی بسیار برجسته است، کاربست پیشرفته دستگاه ابرفقه در استنتاج توازن میان لایه های قدرت برای جلوگیری از وارونگی قدرت نامتوازن یک لایه بر برآیند قدرت و ...

د. فرایندی که در آن، نظریه حاصل شده است، بطور دقیق شرح داده شود.

فرایند دستیابی به این نگاه، با تلاشهای پژوهشگر از اوایل دهه ۱۳۸۰ و با گامهای نخست کشف ابرفقه آغاز شد، سپس در سال ۱۳۹۲ با پژوهشی گسترده درباره جنگ افزار هسته ای پیوند خورد و در گذر یک دهه، به گونه ژرفی با دسته بندی «فقه الهی و فقه ولایی» پیوند خورد و در این بازه، این نظریات در تألیف هشت کتاب ابرفقهی و فقه سیاسی و مقالات علمی زیادی پرورده تر شده و سرانجام در ۱۴۰۴ و در فرایند تولید کتاب «ابرفقه جنگ افزار هسته ای» سازمان کنونی یافت.

ه. فهرست منابعی ارجاعی در متن

۱. قرآن
۲. امامی میبدی، ابوالفضل، زیر تفقه نظام اسلام، میبد: نشر میبد، نخست، ۱۴۰۰.
۳. _____، زیر تفقه نظام پیشرفته دین، میبد: نشر میبد، نخست، ۱۴۰۴.
۴. _____، جنگ افزار هسته ای، در دست ویرایش.
۵. _____ و شیخی ده آبادی، مجتبی، مقاله «بررسی ابرفقه و نسبت آن با فقه الهی و فقه ولایی»، فقه نظام ساز، دوره ۳، شماره ۱ - شماره پیاپی ۹، بهار ۱۴۰۳، صفحه ۹۹-۱۲۴.
۶. پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای.

۷. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم: دارالذخائر، نخست، ۱۴۱۰ ق.

۸. موسوی خمینی، [امام] سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ ش.

۹. _____، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نخست، ۱۴۲۱ ق.

خلاصه طرحنامه شامل همه موارد از (الف تا ه) بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه باشد.